



نورنگه
NOORANG



www.noorang.ir

دکتر درس

درس چهارم علوم و فنون ادبی ۱

تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری



کاری از گروه زبان و ادبیات فارسی آبادان
۱۳۹۹-۱۴۰۰

دیباچه درس

مردمی که حافظه تاریخی ضعیفی دارن هیچ وقت رنگ فوشبفتی رو نمی بینن!
این جمله رو فک کنم دست کم یه بارم به گوشت فورده؛ این جمله با درس چهارم بدون ارتباط نیست
؛ چون اگه کسی بفواد حتی ادیب فوبی بشه، باید تاریخ ادبیات رو به فوبی بشناسه وگرنه رنگ موفقیت رو
نمی بینه!

سعی کن انواع زبان های ایرانی رو توی این درس با زیر شافه ها و مثال ها و تمامی نکاتش فیلی
فوب یاد بگیری؛ چون وقت مطالعه ی ادبیات فیلی می شنوی فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی پهلوی
.....

برگرفته از دیباچه درس چهارم کتاب گاج

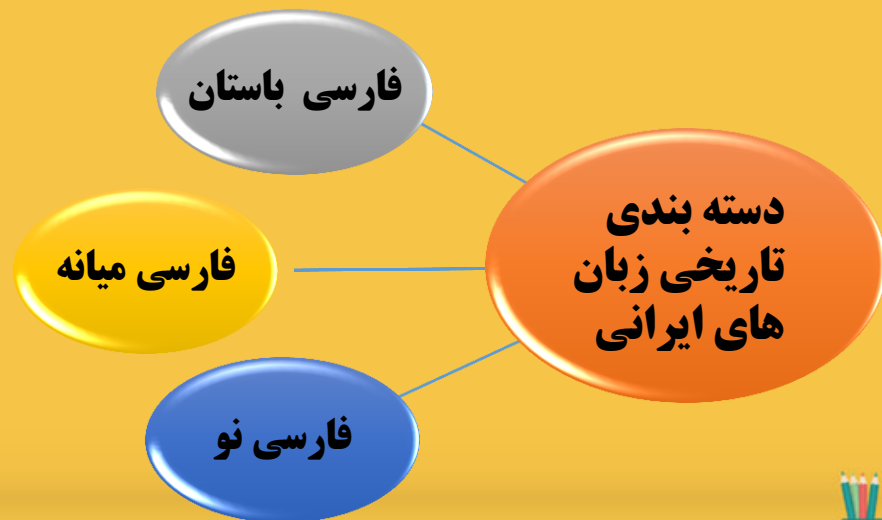


زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه و مادر زبان امروز ایران است، «پارسی» یا «فارسی» نامیده می‌شد.

در ایران پیش از اسلام، آثار فرهنگی - ادبی، قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده است؛ مثلاً کتاب «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می‌خواندند؛ تا اینکه سرانجام در دوره ساسانی، آن را به نگارش درآوردند.

زبان‌هایی که در ایران و مناطق هم‌جوار آن، از قدیم‌ترین روزگاران متداول بوده است، ویژگی‌های مشترکی دارند. این مجموعه زبان‌ها را «گروه زبان‌های ایرانی» می‌نامند.

از نظر تاریخی، زبان‌های ایرانی را به سه دسته عمده تقسیم می‌کنند: فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو.



فارسی باستان

این زبان در **دوره هخامنشیان** (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م) رایج بود. آثار برجای ماندهٔ زبان فارسی باستان، **فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی** است که به **خط میخی** نوشته شده است.

فارسی میانه

به دو گروه زبانهای «**پارتی**» و «**پهلوی**» تقسیم می شوند.

زبان پارتی

- ✓ زبان پارتی، در **دوره اشکانیان** رایج بود و تا **اوایل دوره ساسانی** نیز آثاری به این زبان، تألیف می شده است.
- ✓ این زبان در **شمال و شمال شرقی ایران** متداول بوده است.

زبان پهلوی

- ✓ زبان پهلوی، **زبان رسمی دوران ساسانی** بود.
- ✓ دلیل نامگذاری: از آنجا که این زبان، اساساً به **ناحیهٔ پارس** تعلق داشته است و در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد، آن را «**فارسی میانه**» نامیده‌اند.



آثار زبان پهلوی

آثار مذهبی

بیشتر آثار دینی زردشتی است. حتی رساله‌های کوچکی که معمولاً آن‌ها را در زمره آثار غیردینی به شمار می‌آورند، مانند «یادگار زریران» نیز رنگ دینی دارند.

آثار ادبی منثور و منظوم

آثار ادبی منثور و منظوم این زبان، از میان رفته است، ولی ترجمهٔ عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند «کليلة و دمنه» و «هزار و یک شب» در دست است که آنها هم دچار تغییرات فراوان شده‌اند؛

در واقع باید گفت آثار ادبی پهلوی به سبب اهمیتی که سنت شفاهی در ایران پیش از اسلام داشته، غالباً به کتابت در نیامده بود.

اشعار

از شعر پهلوی هم نمونه‌های کمی در دست هست و آنچه باقی مانده، دچار تحریف‌هایی شده است. بعضی از قطعات، بازماندهٔ اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند. این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند.

مانند منظومهٔ «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که هر دو اصل پارسی دارند.



فارسی نو (فارسی دری)

پس از ورود اسلام به ایران، زبان فارسی، تحوّل تازه‌ای را پشت سر گذاشت و با بهره‌گیری از الفبای خطّ عربی به مرحله‌ی جدیدی گام نهاد که بدان «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می‌شود.

- زمان شکل‌گیری:

پس از برافتادن سامانیان و روی کار آمدن دولت طاهریان (نخستین دولت اسلامی ایران)

- کاربرد:

زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبه‌ی مقامات دولتی بود.

- ویژگی‌ها:

نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر زبان عربی بود. فارسی دری، موجودیت خود را به سرسختی حفظ کرد و به تدریج، غنی‌گشت و زبان عمومی سراسر ایران شد.

- جغرافیای رواج:

ابتدا در مشرق و شمال شرقی ایران



خط فارسی نیز مانند بسیاری از خط ها، طی تاریخ، فراز و فرود و مراحل را از سر گذرانده است؛



سه قرن اوّل هجری

پس از سقوط دولت ساسانی و از دست رفتن استقلال سیاسی ایران، ایرانیان در سه قرن نخست هجری به فعالیت های علمی و ادبی خود ادامه دادند و به زبا نه های فارسی، پهلوی و عربی آثار فراوان پدید آوردند.

یعنی با وجود شکست ایران، زبان فارسی همچنان زنده ماند.

در آغاز قرن سوم، دولت نیمه مستقل طاهری و پس از آن، دولت مستقل صفّاری بر سر کار آمد.

یعقوب لیث صفاری با زبان عربی آشنایی نداشت؛ اقدامات وی نشان می داد که چندان علاقه ای به این زبان ندارد.

تلاش برای ایجاد حکومت مستقل ایرانی و برانداختن یا ضعیف کردن حکومت بغداد

مخالفت با رواج زبان عربی در دستگاه حکومت خود

اعلام زبان فارسی دری به عنوان زبان رسمی کشور

اقدامات یعقوب لیث صفاری برای گسترش زبان فارسی

پس از آن حکومت های سامانی، آل بویه و برخی حکومت های کوچک، فضای رشد زبان فارسی را فراهم کردند.



قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

مهم ترین دوره تمدن اسلامی

دوران شکوفایی نظم و نثر فارسی

رواج رسم ها و سنت های فرهنگی کهن ایرانی توسط دولت سامانی

ویژگی های این دوره

شخصیت های برجسته ی قرن چهارم و نیمه ی اول قرن پنجم هجری:

شاعران: رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری دامغانی و فردوسی

دانشمندان: زکریای رازی و ابن سینا

. در آغاز این دوره، دولت سامانی روی کار آمد و بخارا عمده ترین مرکز فرهنگی دولت بود؛ بسیاری از دانشمندان که در بخارا می زیستند و آثار ارزنده ای به پارسی و عربی، در قلمرو فرهنگ اسلامی پدید آوردند. بعضی از امیران سامانی، خود، صاحب فضل و ادب بودند، شاعران فارسی گوی را تشویق و مترجمان را به ترجمه کتاب های معتبری به نثر فارسی ترغیب می کردند.

این درخشش، با شکست سامانیان از ترکان آل افراسیاب به تیرگی گرایید و خراسان ابتدا به دست سبکتگین و بعد پسرش محمود افتاد و سلسله غزنوی در سال ۳۵۱ هجری در شهر غزنه تشکیل شد. غزنویان نیز برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند زبان پارسی را رواج دهند و دست کم تا پایان سلطنت مسعود، دربار آنان به وجود شاعران بزرگ فارسی گوی که در اواخر عهد سامانی تربیت یافته بودند؛ مانند عنصری، فرخی و منوچهری آراسته بود.



بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید از راه ترجمه متون عربی، وارد فارسی دری شد. همچنین بیشتر دانشمندان ایرانی آثار خود را به عربی نوشتند تا بتوانند در بین مسلمانان خوانندگان بیشتری پیدا کنند.

این عصر دوره‌ی ترقی در همه‌ی زمینه‌های علمی بود. برای مثال ابوعلی سینا در همه‌ی علوم روزگار خود تبحر داشت و صاحب تحقیق و تألیف بود و به فارسی و عربی نیز شعر می‌سرود.

این دوره، عصر اندیشه‌ی استقلال ملی ایران به شمار می‌رود؛ امرای سامانی با تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی، در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست پیدا می‌کنند و با تشویق شاعران و نویسندگان می‌کوشند در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، ترکیب تازه‌ای از هویت فرهنگی، یعنی بازیافتن اندیشه‌ی ایرانی در چارچوب فرهنگ اسلامی را ترویج کنند.

اساس حماسه‌های ملی به زبان فارسی در این دوران گذاشته شد و زبان فارسی را به اوج خود رساند. در مجموع قرن چهارم هجری، دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. این قرن دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود.



شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری

سادگی فکر و روانی کلام

توجه به واقعیات بیرونی

آوردن ترکیب های تازه

به کار بردن استعاره های دلپذیر و تشبیهات گوناگون

به کار گیری انواع توصیف

ارائه مفاهیم ذهنی تنها در قلمرو مفاهیم کلی اخلاقی

ویژگی های شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری

* رودکی را «پدر شعر فارسی» می نامند؛ زیرا شعر فارسی در قرن چهارم توسط او بنیان گذاری شد.

نوع شعر	توضیح
حماسی	با فردوسی به اوج خود رسید.
مدحی	به پیروی از شعرای عرب زبان رواج پیدا کرد و موضوعش بیش تر مدح پادشاهان و رجال درباری بود.
غنایی	استحکام و قوت خود را مدیون رودکی و شهید بلخی است.
تعلیمی (حکمی و اندرزی)	این شیوه در ابتدای قرن چهارم معمول شد، ولی در دوران سلجوقی به پختگی رسید. در این دوران قطعات کوتاهی پیرامون نهیست و اندرز سروده شد اما اول کسانی مروزى قهصیده ی کامل سرود و بعد ناصرفسرو راهش را ادامه داد.

داستان سرایی و قصیده پردازی و آوردن حکایات و امثال نیز در شعر این دوره آغاز شد.



نثر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری

سادگی و روانی

توجه به موضوعات حماسی، ملی و تاریخی

کاربرد کم اصطلاحات علمی و اشعار و امثال در نثر

ویژگی های نثر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری

آثار	نویسنده	توضیح
شاهنامه ابومنصوری	جمعی از نویسندگان خراسان	موضوع آن تاریخ است. امروزه فقط چند صفحه از مقدمه ی آن باقی مانده است.
ترجمه تفسیر طبری	محمدبن جریر طبری	اصل آن به زبان عربی است. جمعی آن را به فارسی ترجمه کرده اند.
تاریخ بلعمی	ابوعلی بلعمی	به دستور منصور بن نوح سامانی تألیف شد. ابتدا ترجمه ای از کتاب «تاریخ الرسل و الملوک» نوشته ی محمد طبری بود، اما نویسنده با افزودن و حذف مطالبی ، آن را به اثر مستقل تبدیل کرد.





سرفراز باشی امید سرزمین

